

چه کسی پاسخگوی فرونشست ایران است؟

۸۵ درصد آب زیرزمینی خرج کشاورزی می‌شود

صفحه ۵



نیاز اقتصاد ایران

گزارش ۲۰۲۵ آنکتاد مسیر توسعه از حکمرانی دیجیتال می‌گذرد

فرا تراز فروش آنلاین الزامات توسعه اقتصاد دیجیتال

صفحه ۶

یادداشت - ۱

تفاهم؛ فرصت تازه برای بازار کار ایران



حمید حاج‌اسماعیلی

پایان تنش‌ها و حرکت به سمت تفاهم و ثبات سیاسی می‌تواند نقطه عطفی برای اقتصاد ایران باشد. در سال‌های اخیر اقتصاد کشور همزمان با فشار تحریم‌ها، بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و پیامدهای جنگ، با محدودیت‌های جدی روبه‌رو بوده است. این شرایط نه تنها روند سرمایه‌گذاری و تولید را کند کرده بلکه بازار کار را نیز با چالش‌های گسترده‌ای مواجه ساخت. اکنون هرگونه کاهش تنش و حرکت به سمت تعاملات اقتصادی می‌تواند فضای تازه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی فراهم کند. واقعیت این است که اقتصاد ایران در دو سال گذشته با پدیده رکود تورمی دست و پنجه نرم کرده است؛ وضعیتی که در آن همزمان تورم بالا و رکود اقتصادی وجود دارد. افزایش قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید خانوارها و محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی از مهم‌ترین پیامدهای این شرایط بوده است. آغاز جنگ و افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی نیز این روند را تشدید کرده و بسیاری از نگاه‌های اقتصادی را در شرایطی قرار داد که امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای تولید و استخدام نیروی کار را از دست دادند. در چنین فضایی، بازار کار به‌طور طبیعی کوچک‌تر شد و فرصت‌های شغلی جدید به سختی ایجاد شدند. با این حال، هرگونه توافق و کاهش تنش می‌تواند این روند را تغییر دهد. حتی اگر برخی نگرانی‌ها درباره پایداری طرف‌های خارجی به تعهدات وجود داشته باشد، صرف آغاز یک مسیر تازه در روابط اقتصادی و سیاسی می‌تواند پیام مثبتی به بازارها ارسال کند. این پیام مثبت از نظر روانی نیز بسیار مهم است، زیرا افکاران اقتصادی زمانی دست به سرمایه‌گذاری می‌زنند که چشم‌انداز آینده را نسبتاً ثبات و قابل پیش‌بینی ببینند. در واقع، کاهش نااطمینانی یکی از مهم‌ترین عوامل تحریک‌کننده فعالیت‌های اقتصادی است. نشانه‌های اولیه چنین تغییراتی نیز می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصاد مشاهده شود. افزایش ورود کشتی‌های حامل کالا به بندر کشور، تسهیل مبادلات تجاری و از سرگیری صادرات نفت از جمله تحولاتی است که می‌تواند منابع درآمدی جدیدی برای کشور ایجاد کند. درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گسترش تجارت خارجی نه تنها به تقویت ذخایر ارزی کشور کمک می‌کند، بلکه امکان تأمین مواد اولیه برای صنایع داخلی را نیز افزایش می‌دهد.

در نگاه اول، جنگ و آسیب به صنایع پتروشیمی و فولاد این انتظار را ایجاد کرد که به‌طور طبیعی نتیجه‌ی بازگشایی بازار، به سقوط بازار منجر شود. اما از منظر تحلیل، قیمت‌ها در بازار سرمایه ایران پیش از وقوع شوک، بخش بزرگی از در برخی مقاطع، آن را به سمت رشد سوق دهد. از منظر صنایع بزرگ نیز باید به نقش شرکت‌های صادراتی محور توجه کرد. بخش قابل توجهی از شرکت‌های شاخص، سازنده یا تامین‌کننده تجهیزات برای صنایع خارجی هستند. این شرکت‌ها با رونق گرفتن صادرات خود، می‌توانند سودآوری آسانی را تجربه کنند. در حالی که صنایع داخلی با کاهش تقاضای داخلی مواجه می‌شوند. در این شرایط، صنایع صادراتی می‌توانند به‌طور قابل توجهی در رشد تولید واقعی، در نهایت، نقش‌آفرینان و متحملان بار بار از افزایش پدیده‌ها باشند. ثبات نرخ ارز به نوبه خود می‌تواند به کاهش نوسانات قیمتی در بازارهای مختلف از جمله طلا، مواد اولیه و کالاهای مصرفی منجر شود. نتیجه چنین روندی، کاهش سرعت رشد قیمت‌ها و افزایش نسبی قدرت خرید مردم خواهد بود. موضوعی که می‌تواند تقاضا در بازار داخلی را افزایش دهد و به رونق بخش خدمات و تولید کمک کند. افزایش تقاضای داخلی و رونق تولید، به‌طور مستقیم بر بازار کار اثر می‌گذارد. زمانی که بنگاه‌ها افزایش فروش و بهبود شرایط اقتصادی مواجه شوند، به نیروی کار بیشتری نیاز خواهند داشت. این امر می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصاد منجر شود. به ویژه در حوزه‌هایی مانند خدمات، صنعت، کشاورزی و تجارت، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایجاد اشتغال وجود دارد که در صورت فراهم شدن شرایط مناسب اقتصادی می‌تواند فعال شود.

با این حال، بهره‌گیری از این فرصت‌ها نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و اقدامات حمایتی از سوی دولت است. در شرایطی که فضای اقتصادی در حال تغییر است، دولت باید با ایجاد مشوق‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری، حمایت از بخش خصوصی و تسهیل فرآیندهای اداری، زمینه را برای رشد فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند. اتاق‌های بازرگانی و تعاون نیز می‌توانند نقش مهمی در ساماندهی همکاری‌های اقتصادی و توسعه فعالیت‌های تولیدی ایفا کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال پایدار، جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. زیرساخت‌های اقتصادی ایران در برخی بخش‌ها طی سال‌های گذشته آسیب دیده یا نیازمند نوسازی است. برای اجرای پروژه‌های بزرگ صنعتی، توسعه زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل و گسترش ظرفیت‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی مورد نیاز است. **ادامه در صفحه ۳**

یادداشت - ۲



هلن عصمت‌پناه

نکرده باشد. عامل مهم دیگر، رفتار نقدشوندگی در شرایط بحران است. در شوک‌های شدید، برخلاف تصور عمومی، الزامات فروش گسترده شکل نمی‌گیرد، چراکه بسیاری از فروشنده‌ها با باقی‌مانده‌ها در بازار خارج شده‌اند یا در قیمت‌های پایین حاضر به فروش نیستند. این وضعیت نوعی خشک شدن عرضه ایجاد می‌کند که در آن حتی تقاضای محدود نیز می‌تواند از افت بازار جلوگیری کرده و در برخی مقاطع، آن را به سمت رشد سوق دهد. از منظر صنایع بزرگ نیز باید به نقش شرکت‌های صادراتی محور توجه کرد. بخش قابل توجهی از شرکت‌های شاخص، سازنده یا تامین‌کننده تجهیزات برای صنایع خارجی هستند. این شرکت‌ها با رونق گرفتن صادرات خود، می‌توانند سودآوری آسانی را تجربه کنند. در حالی که صنایع داخلی با کاهش تقاضای داخلی مواجه می‌شوند. در این شرایط، صنایع صادراتی می‌توانند به‌طور قابل توجهی در رشد تولید واقعی، در نهایت، نقش‌آفرینان و متحملان بار بار از افزایش پدیده‌ها باشند. ثبات نرخ ارز به نوبه خود می‌تواند به کاهش نوسانات قیمتی در بازارهای مختلف از جمله طلا، مواد اولیه و کالاهای مصرفی منجر شود. نتیجه چنین روندی، کاهش سرعت رشد قیمت‌ها و افزایش نسبی قدرت خرید مردم خواهد بود. موضوعی که می‌تواند تقاضا در بازار داخلی را افزایش دهد و به رونق بخش خدمات و تولید کمک کند. افزایش تقاضای داخلی و رونق تولید، به‌طور مستقیم بر بازار کار اثر می‌گذارد. زمانی که بنگاه‌ها افزایش فروش و بهبود شرایط اقتصادی مواجه شوند، به نیروی کار بیشتری نیاز خواهند داشت. این امر می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصاد منجر شود. به ویژه در حوزه‌هایی مانند خدمات، صنعت، کشاورزی و تجارت، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایجاد اشتغال وجود دارد که در صورت فراهم شدن شرایط مناسب اقتصادی می‌تواند فعال شود.

یادداشت - ۳



بابک صدراعی

هم‌زمانی چند متغیر مهم اقتصادی و سیاسی — از تفاهم ایران و آمریکا گرفته تا کاهش نرخ ارز، تحولات بازار فولاد و حتی طرح‌هایی مانند منطقه آزاد شدن تهران — متغیراتی برای صنعت خودروسازی ایران محسوب می‌شوند. در این شرایط، خودروسازان با چالش‌های متعددی مواجه می‌شوند. از یک سو، کاهش نرخ ارز و افزایش قیمت‌های وارداتی مواد اولیه و قطعات، هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، کاهش تقاضای داخلی و کاهش قدرت خرید مردم، فروش را کاهش می‌دهد. در این شرایط، خودروسازان باید راهکارهایی برای کاهش هزینه‌ها، بهبود فرآیندهای تولیدی و افزایش بهره‌وری پیدا کنند. یکی از راهکارهای مهم، کاهش هزینه‌های تولید است. این می‌تواند از طریق بهینه‌سازی فرآیندهای تولیدی، کاهش ضایعات و استفاده از مواد اولیه با کیفیت‌تر انجام شود. همچنین، خودروسازان می‌توانند با افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه‌گذاری در تحقیقات و توسعه، محصولات جدیدی را به بازار عرضه کنند. در نهایت، خودروسازان باید با همکاری دولت و بخش خصوصی، راهکارهایی برای تسهیل فرآیندهای صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیدا کنند. **ادامه در صفحه ۳**

گزارش «تعاادل» از وقتی که بحران انرژی از تولید عبور می‌کند

انرژی در پیچ تاریخی!

بخش‌های مختلف اقتصاد ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز طبیعی جهان است و طی دهه‌های گذشته با سرمایه‌گذاری‌های...

عرضه و تقاضای انرژی بیش از آنکه ناشی از کمبود منابع باشد، حاصل ترکیبی از الگوهای مصرف، ساختارهای اقتصادی، سیاست‌های قیمتی و ضعف بهره‌وری در...

انتقال به عنوان مهم‌ترین راه‌حل‌های تأمین انرژی مطرح می‌شود. اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که مساله نازاری انرژی ابعادی فراتر از تولید دارد. امروز شکاف میان...



نشست همفکری نماینده ویژه در امور چین با اتاق بازرگانی ایران، خرداد ۱۴۰۵

قالیاف در نشست با بخش خصوصی: **بایستیم زندگی مردم را بسازیم**

۳۰ پیشنهاد فعالین اقتصادی روی میز سیاستگذار

یادداشت - ۴

اهمیت صیانت از قدرت خرید

طرح کلیدی «اقتصاد مقاومتی» یکی از مهم‌ترین ابتکارات ایشان در حوزه اقتصاد بود که با عنوان یک مفهوم جدید، توجه بسیاری از اقتصاددانان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرد. در سیاست‌های اقتصادی...



عبدالمجید شیخی

مقاومتی، مولفه‌های متعددی مورد توجه قرار گرفته که یکی از مهم‌ترین آنها عدالت محوری است. موضوع عدالت اقتصادی البته پیش از این نیز در ادبیات انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده، اما رهبر شهید این موضوع را در قالب یک چارچوب منسجم و تحت عنوان اقتصاد مقاومتی تبیین و ارائه کردند. عدالت اجتماعی و اقتصادی یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود، اما مساله‌ها و چالش‌های مختلف در تحقق این هدف با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است و در مجموع نمی‌توان نمره قابل قبولی به عملکرد قوه مجریه در این زمینه داد.

اگر تحقق کامل اهداف اقتصادی را عدد ۱۰۰ در نظر بگیریم، به اعتقاد من عملکرد دولت‌ها حتی به ۱۰ درصد این اهداف نیز نرسیده است. بخش مهمی از این ناکامی به نحوه مدیریت ارزش پول ملی بازمی‌گردد. زمانی که ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند، بیشترین آسیب متوجه اقشار حقوق‌بگیر، کارگران، بازنشستگان و همه کسانی می‌شود که درآمد ثابت دارند. در چنین شرایطی قدرت خرید مردم کاهش یافته و فاصله طبقاتی افزایش پیدا می‌کند. در دو سال اخیر شاهد کاهش قابل توجه ارزش پول ملی بوده‌ایم و این مساله به‌طور مستقیم بر معیشت مردم اثر گذاشته است. کاهش ارزش پول ملی به معنای کاهش قدرت خرید خانوارها و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور است. موضوعی که با اهداف عدالت‌محور اقتصاد مقاومتی فاصله دارد. افزایش نرخ ارز در نهایت خود را در قیمت کالاها و خدمات نشان می‌دهد و موجب فشار مضاعف بر معیشت مردم می‌شود. به همین دلیل حفظ ثبات پولی و ارزی بسیار حیاتی است. در اندیشه اقتصادی اقتصاد مقاومتی، عدالت صرفاً یک شعار نبود، بلکه به عنوان یکی از اهداف اصلی نظام اقتصادی مطرح می‌شد. بر همین اساس، هر سیاست اقتصادی باید در نهایت به بهبود وضعیت معیشتی مردم و کاهش شکاف‌های اجتماعی منجر شود. **ادامه در صفحه ۳**

لبخند بورس به دلار ارزان

کاهش نااطمینانی، باعث می‌شود بخشی از پول‌های خارج شده یا منتظر، دوباره به سمت دارایی‌های ریسکی مانند سهام حرکت کنند. کاهش ریسک ژئوپلیتیک، نرخ تنزیل ذهنی سرمایه‌گذار را پایین می‌آورد و ارزش گذاری کل بازار را بالا می‌برد. در اقتصاد مالی، این همان جایی است که اثر ریسک از اثر قیمت‌گذاری پایه مهم‌تر می‌شود. بازار سرمایه ایران در یک ساختار تورمی که همچنان از تورم عقب است، در برابر شوک‌های جنگی، ابتدا با خشکی عرضه از ریزش شدید مصون ماند و اکنون در فاز کاهش تنش (توافق)، با کاهش ریسک ظاهر می‌شود. این موضوع باید به‌طور مستقیم بر قیمت‌های سهام تأثیر داشته باشد. در این شرایط، بازار سهام باید به‌طور قابل توجهی بالا برود. در حالی که صنایع صادراتی با کاهش تقاضای داخلی مواجه می‌شوند. در این شرایط، صنایع صادراتی می‌توانند به‌طور قابل توجهی در رشد تولید واقعی، در نهایت، نقش‌آفرینان و متحملان بار بار از افزایش پدیده‌ها باشند. ثبات نرخ ارز به نوبه خود می‌تواند به کاهش نوسانات قیمتی در بازارهای مختلف از جمله طلا، مواد اولیه و کالاهای مصرفی منجر شود. نتیجه چنین روندی، کاهش سرعت رشد قیمت‌ها و افزایش نسبی قدرت خرید مردم خواهد بود. موضوعی که می‌تواند تقاضا در بازار داخلی را افزایش دهد و به رونق بخش خدمات و تولید کمک کند. افزایش تقاضای داخلی و رونق تولید، به‌طور مستقیم بر بازار کار اثر می‌گذارد. زمانی که بنگاه‌ها افزایش فروش و بهبود شرایط اقتصادی مواجه شوند، به نیروی کار بیشتری نیاز خواهند داشت. این امر می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصاد منجر شود. به ویژه در حوزه‌هایی مانند خدمات، صنعت، کشاورزی و تجارت، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایجاد اشتغال وجود دارد که در صورت فراهم شدن شرایط مناسب اقتصادی می‌تواند فعال شود.

نکرده باشد. عامل مهم دیگر، رفتار نقدشوندگی در شرایط بحران است. در شوک‌های شدید، برخلاف تصور عمومی، الزامات فروش گسترده شکل نمی‌گیرد، چراکه بسیاری از فروشنده‌ها با باقی‌مانده‌ها در بازار خارج شده‌اند یا در قیمت‌های پایین حاضر به فروش نیستند. این وضعیت نوعی خشک شدن عرضه ایجاد می‌کند که در آن حتی تقاضای محدود نیز می‌تواند از افت بازار جلوگیری کرده و در برخی مقاطع، آن را به سمت رشد سوق دهد. از منظر صنایع بزرگ نیز باید به نقش شرکت‌های صادراتی محور توجه کرد. بخش قابل توجهی از شرکت‌های شاخص، سازنده یا تامین‌کننده تجهیزات برای صنایع خارجی هستند. این شرکت‌ها با رونق گرفتن صادرات خود، می‌توانند سودآوری آسانی را تجربه کنند. در حالی که صنایع داخلی با کاهش تقاضای داخلی مواجه می‌شوند. در این شرایط، صنایع صادراتی می‌توانند به‌طور قابل توجهی در رشد تولید واقعی، در نهایت، نقش‌آفرینان و متحملان بار بار از افزایش پدیده‌ها باشند. ثبات نرخ ارز به نوبه خود می‌تواند به کاهش نوسانات قیمتی در بازارهای مختلف از جمله طلا، مواد اولیه و کالاهای مصرفی منجر شود. نتیجه چنین روندی، کاهش سرعت رشد قیمت‌ها و افزایش نسبی قدرت خرید مردم خواهد بود. موضوعی که می‌تواند تقاضا در بازار داخلی را افزایش دهد و به رونق بخش خدمات و تولید کمک کند. افزایش تقاضای داخلی و رونق تولید، به‌طور مستقیم بر بازار کار اثر می‌گذارد. زمانی که بنگاه‌ها افزایش فروش و بهبود شرایط اقتصادی مواجه شوند، به نیروی کار بیشتری نیاز خواهند داشت. این امر می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصاد منجر شود. به ویژه در حوزه‌هایی مانند خدمات، صنعت، کشاورزی و تجارت، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایجاد اشتغال وجود دارد که در صورت فراهم شدن شرایط مناسب اقتصادی می‌تواند فعال شود.

در نگاه اول، جنگ و آسیب به صنایع پتروشیمی و فولاد این انتظار را ایجاد کرد که به‌طور طبیعی نتیجه‌ی بازگشایی بازار، به سقوط بازار منجر شود. اما از منظر تحلیل، قیمت‌ها در بازار سرمایه ایران پیش از وقوع شوک، بخش بزرگی از در برخی مقاطع، آن را به سمت رشد سوق دهد. از منظر صنایع بزرگ نیز باید به نقش شرکت‌های صادراتی محور توجه کرد. بخش قابل توجهی از شرکت‌های شاخص، سازنده یا تامین‌کننده تجهیزات برای صنایع خارجی هستند. این شرکت‌ها با رونق گرفتن صادرات خود، می‌توانند سودآوری آسانی را تجربه کنند. در حالی که صنایع داخلی با کاهش تقاضای داخلی مواجه می‌شوند. در این شرایط، صنایع صادراتی می‌توانند به‌طور قابل توجهی در رشد تولید واقعی، در نهایت، نقش‌آفرینان و متحملان بار بار از افزایش پدیده‌ها باشند. ثبات نرخ ارز به نوبه خود می‌تواند به کاهش نوسانات قیمتی در بازارهای مختلف از جمله طلا، مواد اولیه و کالاهای مصرفی منجر شود. نتیجه چنین روندی، کاهش سرعت رشد قیمت‌ها و افزایش نسبی قدرت خرید مردم خواهد بود. موضوعی که می‌تواند تقاضا در بازار داخلی را افزایش دهد و به رونق بخش خدمات و تولید کمک کند. افزایش تقاضای داخلی و رونق تولید، به‌طور مستقیم بر بازار کار اثر می‌گذارد. زمانی که بنگاه‌ها افزایش فروش و بهبود شرایط اقتصادی مواجه شوند، به نیروی کار بیشتری نیاز خواهند داشت. این امر می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصاد منجر شود. به ویژه در حوزه‌هایی مانند خدمات، صنعت، کشاورزی و تجارت، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایجاد اشتغال وجود دارد که در صورت فراهم شدن شرایط مناسب اقتصادی می‌تواند فعال شود.

خودروسازی ایران در آستانه یک پیچ تاریخی در پساتوافق

هفته‌های اخیر تا حدی توانسته انتظارات قیمتی در بازار را تغییر بدهد، اما این تغییر هنوز به معنای ثبات نیست. در واقع بازار در حال حاضر بیشتر به اخبار و سیگنال‌ها واکنش نشان می‌دهد تا به تغییرات ساختاری در اقتصاد. در چنین شرایطی، واکنش خودروسازان به تغییرات بازار، نقش مهمی در تعیین قیمت‌های سهام خواهد داشت. در این شرایط، خودروسازان باید راهکارهایی برای کاهش هزینه‌ها، بهبود فرآیندهای تولیدی و افزایش بهره‌وری پیدا کنند. یکی از راهکارهای مهم، کاهش هزینه‌های تولید است. این می‌تواند از طریق بهینه‌سازی فرآیندهای تولیدی، کاهش ضایعات و استفاده از مواد اولیه با کیفیت‌تر انجام شود. همچنین، خودروسازان می‌توانند با افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه‌گذاری در تحقیقات و توسعه، محصولات جدیدی را به بازار عرضه کنند. در نهایت، خودروسازان باید با همکاری دولت و بخش خصوصی، راهکارهایی برای تسهیل فرآیندهای صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیدا کنند. **ادامه در صفحه ۳**

ایران و آمریکا روند کاهش نرخ ارز، تغییرات بازار فولاد و حتی مباحثی مانند منطقه آزاد شدن تهران، در مجموع سیگنال‌هایی هستند که می‌تواند فضای متفاوتی برای صنعت خودروسازی ایران ایجاد کند. در این شرایط، خودروسازان با چالش‌های متعددی مواجه می‌شوند. از یک سو، کاهش نرخ ارز و افزایش قیمت‌های وارداتی مواد اولیه و قطعات، هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، کاهش تقاضای داخلی و کاهش قدرت خرید مردم، فروش را کاهش می‌دهد. در این شرایط، خودروسازان باید راهکارهایی برای کاهش هزینه‌ها، بهبود فرآیندهای تولیدی و افزایش بهره‌وری پیدا کنند. یکی از راهکارهای مهم، کاهش هزینه‌های تولید است. این می‌تواند از طریق بهینه‌سازی فرآیندهای تولیدی، کاهش ضایعات و استفاده از مواد اولیه با کیفیت‌تر انجام شود. همچنین، خودروسازان می‌توانند با افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه‌گذاری در تحقیقات و توسعه، محصولات جدیدی را به بازار عرضه کنند. در نهایت، خودروسازان باید با همکاری دولت و بخش خصوصی، راهکارهایی برای تسهیل فرآیندهای صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیدا کنند. **ادامه در صفحه ۳**

هم‌زمانی چند متغیر مهم اقتصادی و سیاسی — از تفاهم ایران و آمریکا گرفته تا کاهش نرخ ارز، تحولات بازار فولاد و حتی طرح‌هایی مانند منطقه آزاد شدن تهران — متغیراتی برای صنعت خودروسازی ایران محسوب می‌شوند. در این شرایط، خودروسازان با چالش‌های متعددی مواجه می‌شوند. از یک سو، کاهش نرخ ارز و افزایش قیمت‌های وارداتی مواد اولیه و قطعات، هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، کاهش تقاضای داخلی و کاهش قدرت خرید مردم، فروش را کاهش می‌دهد. در این شرایط، خودروسازان باید راهکارهایی برای کاهش هزینه‌ها، بهبود فرآیندهای تولیدی و افزایش بهره‌وری پیدا کنند. یکی از راهکارهای مهم، کاهش هزینه‌های تولید است. این می‌تواند از طریق بهینه‌سازی فرآیندهای تولیدی، کاهش ضایعات و استفاده از مواد اولیه با کیفیت‌تر انجام شود. همچنین، خودروسازان می‌توانند با افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه‌گذاری در تحقیقات و توسعه، محصولات جدیدی را به بازار عرضه کنند. در نهایت، خودروسازان باید با همکاری دولت و بخش خصوصی، راهکارهایی برای تسهیل فرآیندهای صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی پیدا کنند. **ادامه در صفحه ۳**